

بررسی علل همسر آزاری در بین خانواده‌های شهر اردبیل

مریم طهماسبی وند جات‌قیه^۱، آرزو طهماسبی وند جات‌قیه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۸

صفحه: ۱۴۸-۱۲۵

چکیده

عوامل رفتاری، فرهنگی بین فردی و روانی به‌طور کلی در ایجاد پدیده‌ی همسر آزاری دخالت دارد. شوهران بدرفتار اغلب از خانواده‌هایی برآمده‌اند که رفتار خشن در آن‌ها عادی بوده و شخص از دوران کودکی شاهد کتک خوردن زن‌های خانواده بوده و یا خود هدف آزار قرار گرفته است. هدف از تحقیق حاضر بررسی علل همسر آزاری در بین خانواده‌های شهر اردبیل است. در طول تحقیق سعی بر آن بوده است تا به بررسی تأثیر عواملی از قبیل اعتقاد به پدرسالاری، ضعف اجرای قوانین، پذیرش خشونت از سوی زنان، تحصیلات و سن بر پدیده‌ی همسر آزاری پرداخته شود. روش مورد استفاده برای انجام تحقیق پیمایشی از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری کلیه زنان ساکن شهر اردبیل است که از طرف همسران خود مورد آزار قرار گرفته‌اند و با مراجعه به مراجع قضایی و کلاتری‌ها از همسر خود شکایت کرده‌اند؛ که تعداد ۱۱۰ نفر از این افراد به‌صورت در دسترس مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. برای تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری SPSS و برای تحلیل فرضیات از آزمون پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس استفاده شده است. نتایج نشان داد که عوامل (پدرسالاری، ضعف اجرای قوانین، پذیرش خشونت از سوی زنان) بر پدیده همسر آزاری تأثیر معنی‌داری دارد و همچنین همسر آزاری بر اساس سطح تحصیلات و سن تفاوت معنی‌داری داشت.

کلید واژه‌ها: همسر آزاری، شوهر آزاری، خشونت، شهر اردبیل.

^۱ نویسنده مسئول: کارشناس ارشد و عضو پلیس افتخاری فرماندهی انتظامی استان اردبیل.

ایمیل: Mr.tahmasebivand@yahoo.com تلفن: ۰۹۱۴۱۵۰۲۹۸۳

^۲ کارشناس ارشد و عضو پلیس افتخاری فرماندهی انتظامی استان اردبیل.

مقدمه

خشونت خانوادگی، از اول تاریخ بشر وجود داشته است. فروید در مقاله‌ای وجود یک تکانه ناهوشیار برای کودک‌آزاری را گزارش می‌دهد. بررسی و تحقیقات صورت گرفته در زمینه سبب‌شناسی، انتقال بین نسلی و توالی تکاملی و تدریجی خشونت، موجب تغییر دیدگاه کشورها در زمینه کودک و همسرآزاری و نیز خشونت خانوادگی شده است. هرچند همسرآزاری پدیده‌ای است که از گذشته‌های دور در بین جوامع مختلف وجود داشته است، ولی در عصر حاضر، شوهرآزاری به جهت شکل‌گیری نهضت‌های فمینیستی و نفوذ و گسترش افکار صاحب‌نظران این جنبش در جوامع مختلف، به نظر می‌رسد که این معضل شیوع بیشتری پیدا کرده است. در این نوشتار ضمن بررسی مفهوم شوهرآزاری، علل و عوامل بروز این پدیده، آثار ناگوار آن در سطوح مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد (معظمی، ۱۳۸۶: ۵۵).

همسرآزاری، یکی از موضوعات اصلی در زمینه‌ی وضعیت بهداشتی و اجتماعی زنان است و تحقیقات اولیه‌ی انجام‌شده در مورد رابطه‌ی بین خشونت علیه زنان و وضعیت بهداشت باروری در کشورهای درحال توسعه، آگاهی بیشتری از مسئله و نتایج بهداشتی آن فراهم کرده است. سازمان بهداشت جهانی خشونت علیه زنان را به صورت هرگونه عملی علیه جنس زن که باعث آسیب یا رنجش جسمی، روانی یا جنسی شود و فقدان آزادی و اختیار در زندگی تعریف می‌کند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، هر ساله در ایالات متحده آمریکا دو میلیون زن از طرف شوهرانشان مورد تهاجم فیزیکی قرار می‌گیرند که آسیب‌های وارده منجر به ۷۳ هزار بستری و ۱۵۰۰ مرگ می‌شود (محمدخانی و اسفندیاری، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

منظور از همسرآزاری در این مطالعه رفتاری است که با قصد و نیت آشکار و یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی، اجتماعی به فرد دیگر صورت می‌گیرد؛ اما خشونت زنان علیه مردان ابعاد متعددی را شامل می‌شود که در این راستا می‌توان به خشونت فیزیکی (آسیب رساندن به اعضای بدن با کتک، ضرب و جرح با استفاده از دست یا ابزار دیگر)،

خشونت روانی (تهدید، تحقیر، سرزنش کلامی، فحاشی)، خشونت اجتماعی (کنترل رفتارهای مرد، در انزوای اجتماعی قرار دادن، ممنوعیت ارتباط با دیگران) و خشونت جنسی اشاره نمود (کلانیک^۱، ۲۰۰۵: ۵۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که همسر آزاری به میزان زیادی متأثر از عوامل روانی اجتماعی است و در تبیین آن نظریه‌های مختلفی چون نظریه کارکردگرایی، نظریه‌های ساختار اجتماعی (تنش، تضاد)، نظریه فمینیستی، نظریه منابع، نظریه سیستمی، نظریه زیست‌محیطی و نظریه ناکامی پرخاشگری وجود دارند؛ به طوری که کارکردگرایان در تبیین همسر آزاری معتقدند که خانواده گروهی است که وجود علایق متفاوت در این گروه ناهمگون، سبب به وجود آمدن تضادهای آشکار یا پنهان می‌شود این تضادها، ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برد و در نتیجه، باید آن‌ها را از سر راه برداشت. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از وسایل قدرت و در مواردی، از راه خشونت امکان‌پذیر می‌گردد. از دیدگاه نظریه فرهنگی، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است که بر رفتار کنونی و آینده انسان تأثیر می‌گذارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۵). از دیگر عواملی که در بروز جرم همسر آزاری دخالت دارند می‌توان به نگرش‌های اجتماعی در مورد خشونت، نگرش نسبت به مردان، نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده و ناتوانی سازمان‌های رسمی برای کمک‌رسانی، ساختار زنانه سازمان‌های رسمی، نبود حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و ناآگاهی زنان از امکانات و... اشاره کرد (محبی، ۱۳۸۲: ۷۴).

درحالی‌که بسیاری از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، نگرانی عمیق نسبت به افزایش خشونت در خیابان‌ها و اماکن عمومی دارند، احتمال مورد ضرب و شتم قرار گرفتن یک فرد در خانواده به مراتب بیش‌تر از بیرون خانواده است. بااینکه این نوع خشونت در داخل خانواده اتفاق می‌افتد، جای هیچ‌گونه شک و تردید نیست که عواقب آن می‌تواند بسیار ناخوشایند باشد از این‌رو توجه به این مسئله از چند جهت حائز اهمیت است و اجرای

۱. Clanic

سلسله تحقیقات علمی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد: از یک سو همسرآزاری در بیشتر موارد گزارش نمی‌شود و یا در صورت گزارش شدن ثبت نمی‌شود. با تحقیق حاضر می‌توانیم گزارشی از خشونت‌های صورت گرفته در داخل خانواده‌ها را گزارش کنیم (همان: ۱۵).

با توجه به اهمیت فراوان همسرآزاری و بخصوص خشونت‌های فیزیکی و عاطفی، جنسی و اقتصادی علیه زنان در درون خانواده در این تحقیق بیشتر به دنبال این هستیم که نمای کلی از این نوع همسرآزاری‌ها ارائه دهیم و به این سؤال پاسخ دهیم که چه عواملی باعث بروز جرم همسرآزاری از سوی مردان در شهر اردبیل می‌شود؟ در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که چه علل و عواملی در پیدایش جرم همسرآزاری شهر اردبیل مؤثر است؟ این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- پدیده همسرآزاری چه تأثیری دارد؟
- ۲- ضعف اجرای قوانین بر پدیده همسرآزاری چه تأثیری دارد؟
- ۳- پذیرش خشونت از سوی زنان بر پدیده همسرآزاری چه تأثیری دارد؟
- ۴- آیا بین پدیده همسرآزاری بر حسب تحصیلات تفاوت معنی‌داری دارد؟
- ۵- آیا بین پدیده همسرآزاری بر حسب سن تفاوت معنی‌داری دارد؟

پیشینه پژوهش

نریمانی و آقامحمدیان (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل پرداخته‌اند نتایج مطالعه نشان می‌دهد که خشونت روانی در ۲۸/۵ درصد خانواده‌ها وجود دارد. همچنین خشونت مردان علیه زنان با برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی چون تحصیلات بانوان، طبقه اجتماعی خانواده، میزان درآمد و سواد مردان و متغیرهای روان‌شناختی چون اضطراب، افسردگی جرات‌ورزی زنان و مردان ارتباط دارد. با توجه به نتایج مطالعه ضروری است خانواده‌ها با

راه‌های کنار آمدن با چالش‌های زندگی آشنا شوند تا بتوانند با کنترل خشم و اضطراب و افسردگی، آرامش را جایگزین خشونت و دیگر حالات هیجانی در خانواده نمایند. بلالی میدی و حسنی (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان فراوانی خشونت علیه زنان توسط همسرانشان در شهر کرمان انجام داده‌اند. این تحقیق با روش مقطعی با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یک مرحله‌ای انجام گرفته است و تعداد ۴۰۰ زن توسط پرسشنامه‌های محقق ساخته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند طبق یافته‌های این تحقیق بیشترین نوع خشونت که زنان تحمل کرده‌اند، خشونت روانی با ۷۸/۶٪ فراوانی و کمترین نوع خشونت، خشونت جنسی با ۲۸/۶٪ فراوانی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خشونت خانوادگی با میزان تحصیلات مرد و زن رابطه معکوسی داشت و با متغیرهای زندگی در روستا، اعتیاد مرد و زندگی دیگر افراد با خانواده رابطه مستقیمی داشت. بیشترین علت خشونت از دید زنان خشونت دیده، وضعیت اقتصادی نامناسب و شغل همسر بیان شده است.

رامیریز و آندرو^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای مفهوم پرخاشگری در انسان و سازه‌های روان‌شناختی مرتبط دیگر مثل خشم، خصومت و تکانش وری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که تعاریف مختلف پرخاشگری را می‌توان بر اساس اینکه آیا هدف اصلی پریشانی است یا آسیب، طبقه‌بندی کرد. به طوری که می‌توان یا بر هدف اعمال آسیب یا بر قصد ذهنی آسیب‌رسانی متمرکز شد. آن‌ها همبستگی مثبتی بین تجربه و بیان خشم یافتند. خشم، برانگیختگی فیزیولوژیکی و آماده‌سازی برای پرخاشگری است. خشم و تکانش وری با پرخاشگری خصمانه نیز همبستگی مثبت داشت، اما با پرخاشگری وسیله‌ای ارتباطی نداشت. در مورد تکانش وری نیز مشاهده شد که تکانش وری با برخی از موقعیت‌های مرتبط با پرخاشگری خصمانه همبستگی مثبت داشت، نظیر برانگیختگی هیجانی یا فقدان ارتباط کلامی. سرانجام خصومت با خشم و انواع مختلف پرخاشگری

^۱. Ramirez & Andreu

همبستگی مثبت داشت. در کل این پژوهشگران نتیجه گرفتند که پرخاشگری ممکن است به وسیله سازه‌های شخصیتی مختلف منعکس شود.

چهارچوب نظری پژوهش

پدیده همسرآزاری

مسائل عمده در همسرآزاری بدرفتاری با زن است، هرچند کتک خوردن شوهر نیز در بعضی موارد گزارش می‌شود. در چنین مواردی شوهرها، مسئله‌ی ترس از اتهام، حمله‌ی متقابل و ناتوانی برای ترک موقعیت به علت مسائل مادی را مطرح می‌سازند. شوهرآزاری در مواردی که پیرمردی ضعیف با زن جوانی ازدواج کرده است، بیشتر گزارش می‌شود (محمدخانی، ۱۳۸۵: ۲۷).

میزان شیوع همسرآزاری

آخرین تحقیقات صورت گرفته از خشونت خانگی در اردبیل نشان می‌دهد نه تنها باورهای عامیانه مغایر با یافته‌های علمی است بلکه بسیاری از علل خشونت خانگی همچنان در پرده ابهام است. طبق پژوهش‌های انجام شده خشونت مالی رتبه نخست همسرآزاری در اردبیل است و همسرآزاری در این تحقیقات از چهار منظر جسمی، جنسی، روانی و مالی بررسی شده است، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد برخلاف تصور عموم مردم خشونت مالی رتبه نخست، خشونت جنسی رتبه دوم، خشونت روانی رتبه سوم و خشونت فیزیکی رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است (نریمانی و آقامحمدیان، ۱۳۸۴: ۴۱).

حدس زده می‌شود که پدیده‌ی همسرآزاری در ۲ تا ۱۲ میلیون خانواده‌ی آمریکایی روی می‌دهد. این وجه از خشونت خانوادگی به‌عنوان مسئله‌ای جدی شناخته شده است که فعالیت گروه‌های هوادار تساوی حقوق و تأکیدهای اخیر در زمینه‌ی حقوق مدنی در این شناسایی اهمیت دارد. کتک خوردن زن از دست شوهر در تمام طبقات اجتماعی و اقتصادی مشاهده می‌گردد. این امر در خانواده‌هایی که مسئله‌ی اعتیاد به‌خصوص الکلسم، در آن‌ها مطرح است، بیشتر دیده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۶).

ویژگی‌ها و توصیف‌های بالینی همسر آزاری

زنی که مدت زیادی مورد بدرفتاری قرار گرفته باشد، می‌ترسد! ترس ممکن است نخستین یا فوری‌ترین احساس به هنگام کتک خوردن و بعد از آن باشد. ممکن است احساسات منفی دیگری هم مانند وقتی که شخص در معرض خطر جسمانی قرار ندارد، جلوه کند. احتمالاً زن مورد بدرفتاری، تردیدهایی درباره‌ی خودش پیدا می‌کند. ممکن است تعجب کند که آیا شایسته است از زندگی بترسد؟ آیا می‌تواند خود را زنی بنامد که مورد بدرفتاری قرار گرفته است یا خیر؟ (همان: ۵۵).

البته زنی که فکر یا احساسش مورد بدرفتاری قرار گرفته است، بیشتر احتمال دارد این احساسات در او به وجود آید. این قبیل زنان ممکن است احساس گناه داشته باشند؛ حتی اگر کار خلافی نکرده باشند! ممکن است چنین زنی نسبت به خشونت همسر احساس مسئولیت کند؛ امکان دارد معتقد باشد که به نحوی همسرش را تحریک کرده است! آنگاه به‌جای کسی که با او بدرفتاری کرده خود را شرم‌نده و مقصر بداند. در کنار احساس شکست امکان دارد هم به‌عنوان یک زن و هم در ازدواج، احساس واقعی به دام افتادگی و ناتوانی به او دست بدهد (کلانیک، ۲۰۰۶: ۱۲۴).

همسر آزاری از منظر حقوق‌دانان

اولین موضوع در وهله اول به قوانین و مقررات خانواده و به‌طور مشخص‌تر به بحث حقوق و تکالیف زوجین مربوط است. مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ از آن جمله هستند که متأسفانه قانون‌گذار در این مواد خیلی کلی به خشونت خانوادگی پرداخته و موارد و مصادیق آن را مشخص نکرده است. ماده ۱۱۰۳ می‌گوید: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند؛ اما چگونه؟ در شرایطی که این الزام به حسن معاشرت در بسیاری از مواقع خود به سوء معاشرت تبدیل می‌شود و مصادیق خشونت علیه زن را تشکیل می‌دهد. اساساً مشکل ما حقوق‌دانان هم با قانون‌گذاران همین بوده که ضوابط این حسن معاشرت چیست؟ ضوابطی که مشخص نشده است. ما این سؤال را از قانون‌گذاران می‌پرسیدیم و معمولاً آن‌ها

پاسخ می‌دادند که بحث حسن معاشرت در این ماده بیشتر دارای یک جنبه اخلاقی است تا یک امر قانونی و حقوقی و ضمانت اجرایی ندارد. البته ما در بحث عسر و حرج توجه به آن را می‌بینیم و می‌توانیم به رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده به‌عنوان مصادیقی از سوء معاشرت استناد کنیم (عزیزیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۰).

از سویی قانون‌گذار در این مواد به‌طور مثال در ماده ۱۱۰۴ می‌گوید: زوجین باید در تأسیس مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر همکاری نمایند؛ اما در این خصوص هم مشکلات بسیاری وجود دارد. این که ما به این قاعده اخلاقی پایبند نیستیم و اساساً مشخص نشده که چطور باید پایبند باشیم؟ ما تعریف مشخص و قاعده‌مند در این خصوص نداریم. در ماده ۱۱۰۸ هم تفسیر درستی از قانون نداریم. علیرغم این که ماده ۱۱۱۵ که می‌گوید: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر مالی یا بدنی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت گمان ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود» می‌تواند مبنای خوبی در مورد خشونت علیه زنان باشد اما متأسفانه این ماده یا به‌درستی در دادگاه‌ها اجرا نمی‌شود و یا اصلاً مورد توجه قضات قرار نمی‌گیرد (پاد، ۱۳۸۵: ۷۴).

مورد دیگر ماده ۱۱۳۰ است که به عسر و حرج اشاره کرده است. این ماده را مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۸۱ تصویب کرد. در این ماده آمده است: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید». موضوع ضرب و شتم در مصادیق عسر و حرج آمده است که می‌تواند به جنبه‌هایی از خشونت خانگی ربط پیدا کند و مبنایی برای طلاق زن باشد (همان: ۶۶)؛ اما در سایر قوانین به‌طور مثال در بحث قصاص، دیات و تعزیرات، یعنی مجازات بازدارنده می‌توانیم به برخی قوانین اشاره کنیم که در مقابل، ابزارهای اعمال خشونت خانگی هستند. مثلاً در ماده ۶۳۰ قانون مجازات که به قاعده فراس یا قتل در فراس مشهور است، قانون

صراحتاً اجازه کشتن زن را به مرد داده است. یا آنکه در ماده ۲۲۰ همان قانون پدر و جد پدری به موجب حق ولایت بر فرزندان در صورت قتل آنها معاف از قصاص هستند. همین‌طور اجازه نکاح صغیره را در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی داریم که مبنایی برای خشونت است. این ماده در سال (۱۳۸۲) اصلاح شد که بر اساس آن ازدواج دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال منوط به اذن ولی با قید رعایت مصلحت آورده شد؛ اما در واقع این ماده می‌تواند مبنایی برای خشونت و از جمله قتل دختر بچه‌ها باشد. در ماده ۵۰ لایحه حمایت از خانواده هم که به ازدواج دختران زیر سن قانونی می‌پردازد، خشونت خانگی ترویج می‌شود.

در بحث اشتغال هم که ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی می‌گوید: «شوهر می‌تواند زن خود را از اشتغال به شغلی که منافی با مصالح خانوادگی باشد، منع کند». سؤال این است که در کشور جمهوری اسلامی چه شغلی داریم که منافی با شئون خانوادگی باشد؟ از سوی دیگر زنان ما زمینه اشتغال ندارند؛ یعنی به خاطر نداشتن پول در موضع ضعف قرار می‌گیرند. هر اقدامی از سوی آنها به دلیل نداشتن دارایی و توان اقتصادی، آنها را در موضع خشونت قرار می‌دهد و با وجود نبودن ضوابط و آئین‌نامه‌های اجرایی قربانی خشونت خانگی می‌شوند؛ بنابراین این قوانین اگر هم وجود داشته باشند باید با آئین‌نامه‌های اجرایی به حوزه اجرا نزدیک شوند و قابلیت اجرایی پیدا کنند (همان: ۴۲).

چیزی فراتر باید در مسئله خشونت خانگی مدنظر قرار بگیرد؛ یعنی نگاهی که قانون‌گذار به‌طور کلی نسبت به زنان دارد باید مورد توجه باشد. نگاه قانون‌گذار در قانون مدنی که البته زنان هم در تدوین آن دخالتی نداشته‌اند، نگاه مردسالار است. این نگاه مطلقاً ناشی از رویکردی نیست که مسائل زنان را در نظر داشته باشد. الآن هم اصلاحات آنقدر جزئی است که نمی‌توان گفت مسائل و خواست‌های زنان را در بر دارند. در تمام قانون مدنی، در بخش فسخ، حتی عسر و حرج، حق طلاق، در ادله اثبات دعوی و ... اصلاحاتی لازم است، اگرچه در بخش طلاق اصلاحاتی انجام گرفت ولی این اصلاحات کافی نبود (همان: ۱۲۳).

نظریه سائق^۱

این نظریه پیشنهاد می‌کند که پرخاشگری از یک سائق فراخوانده شده بیرونی برای صدمه زدن به دیگران ریشه می‌گیرد (برکوویتز، ۱۹۶۲: ۸۸). نظریه سائق مطرح می‌کند که شرایط بیرونی همچون ناکامی، یک انگیزه قوی برای صدمه زدن به دیگران را برمی‌انگیزد و همین سائق پرخاشگرانه به نوبه خود منجر به عمل پرخاشگری بالا می‌شود. مشهورترین این نظریات فرضیه ناکامی - پرخاشگری^۲ است. بر اساس این دیدگاه، ناکامی منجر به برانگیختگی سائقی می‌شود که هدف اولیه آن صدمه زدن به شخص یا شیئی دیگر است، به بیانی دیگر تمایل به پرخاشگر شدن زمانی افزایش می‌یابد که رفتار معطوف به هدف متوقف شده باشد (همان: ۱۳۷).

ناکامی با عدم پاداش قابل مقایسه است که به منظور نیروبخشی رفتار ظاهر می‌شود. هر رفتاری که به دنبال فقدان پاداش بیاید، با شدت بیشتری اعمال خواهد شد. با وجودی که رفتارهایی که به دنبال عدم پاداش می‌آیند اغلب در جهت رفع منبع ناکامی، البته نه همه رفتارهای ناکام شده برمی‌آیند، به پرخاشگری منجر می‌شوند (همان: ۱۵).

بارون نتیجه گرفت که ناکامی مضافاً می‌تواند پرخاشگری بعدی را تسهیل کند، لیکن احتمالاً فقط زمانی این حالت ایجاد می‌شود که ناکامی اولاً خیلی شدید باشد، ثانیاً غیرمنتظره و یا ذاتاً خود انگیزه باشد؛ بنابراین منتظر ماندن در صف ممکن است در تسهیل پرخاشگری کافی نباشد، چراکه صرف ناکامی، به قدر کافی شدید نیست (پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۴: ۵۰).

^۱. Drive Theory

^۲. Frustration Aggression Theory

نظریه زیست‌شناختی

فرآیندهای ژنتیکی

پژوهشگران طی چندین مطالعه با استفاده از پرسشنامه خود سنجی پرخاشگری، دوقلوهای یک‌تخمکی و دو تخمکی را باهم مقایسه کردند. درحالی‌که در بعضی افراد عامل ژنتیکی پرخاشگری را یافتند، برخی دیگر این عامل را نشان ندادند (جمیس، ۱۹۹۴: ۶۹).

در مطالعه‌ای که بر روی ۵۷۳ نفر از دوقلوهای همسان انجام شد، ۴۰٪ همبستگی برای دوقلوهای یک‌تخمکی یافت شد ولی در دوقلوهای دو تخمکی همبستگی پیدا نشد که دال بر آن است که تأثیر ژنتیکی نیرومندی وجود دارد (روستون و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۷). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که خصیصه تندخویی تکانش‌گری با رفتار پرخاشگرانه و تعهد اجتماعی مرتبط است. این دیدگاه ممکن است به‌واسطه سطوح سروتونین در مغز وساطت شود. افزایش سطح سروتونین در ایجاد بازداری پاسخ و کاهش آن در ایجاد بیش‌فعالی در ارتباط با ساختارهای مغزی نشان داده شده است (کوکاران و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۴۵).

تئوری انتقال برانگیختگی^۱

بر طبق این نظریه، برانگیختگی که در یک موقعیت رخ می‌دهد می‌تواند پایدار باشد و عکس‌العمل‌های هیجانی در موقعیت‌های نامربوط بعدی را شدت بخشد (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۷). نظریه انتقال برانگیختگی بینش مهمی در مورد تأثیر برانگیختگی در بروز رفتار پرخاشگرانه را مورد توجه قرار می‌دهد. شواهد زیادی پاسخ‌های پرخاشگرانه را در برانگیختگی بالا تأیید می‌کنند. این موضوع در آزمایش‌های مختلفی تأیید شده است، برانگیختگی ناشی از شرکت در یک بازی رقابتی، تمرینات شدید و حتی برخی از انواع

۱. Coccaro et al

۲. Excitation Transfer Theory

موسیقی، پرخاشگری را تسهیل می‌کند. سبب‌شناسی این یافته‌ها بر اساس نظریه انتقال برانگیختگی قابل تبیین است (همان: ۱۱۴).

نظریه فردیت زدایی پرخاشگری:

زیمباردو^۱ (۱۹۶۹) نظریه‌ای بیان کرده است که ملازمه‌هایی برای فهم رفتار پرخاشگرانه در سازمان‌های بزرگ دارد. دلیل این امر اهمیتی است که وی برای عواملی از قبیل گمنامی و تداخل مسئولیت در وقوع رفتار پرخاشگرانه قائل است. این عوامل تابعی از تحولات سریع اجتماعی و اندازه‌های بزرگ سازمانی هستند.

وی در فرضیه‌های مهم خود بیان می‌کند که فردیت زدایی فرایندی پیچیده و فرضی است که در آن تعدادی از شرایط اجتماعی قبلی منجر به وقوع دگرگونی‌هایی در ادراک خود و دیگران می‌شود. این امر طبعاً به آستانه پایین‌تری از رفتار مفید منتهی می‌گردد. تحت شرایط مناسب آنچه نتیجه می‌شود ارتکاب رفتاری است که برخلاف هنجارهای مناسب و مقتضی حاکم بر رفتار است (زیمباردو، ۱۹۶۹: ۲۳۳).

مدل شرمساری - پرخاشگری:

طبق مدل شرمساری - پرخاشگری احساس شرمساری که معمولاً به خودارزیابی منفی منجر می‌شود، اغلب با تجاربی از خشم و خصومت تظاهر می‌یابد. چنین احساس‌هایی معمولاً به سوی دیگران جهت داده می‌شود. شرمساری به‌عنوان یک هیجان قوی و شدید، موجب بروز عواطف منفی بسیاری به‌ویژه خشم و در نتیجه پرخاشگری می‌گردد (هارویو همکاران^۲، ۲۰۰۸: ۷۸۸). افرادی که در تعاملات اجتماعی خود با دیگران دچار احساس شدید شرمساری می‌شوند، غالباً میزان بالایی از گرایش به خشم را نیز گزارش می‌دهند. بر این اساس، ارتباط میان شرمساری و پرخاشگری ممکن است ریشه در برانگیختگی ناشی از خودانگاره تحقیرآمیز فرد داشته باشد (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

۱. Zimbardo

۲. Harvey et al

ناکامی:

ناکامی همیشه منجر به نوعی پرخاشگری می‌شود و پرخاشگری همیشه از ناکامی نشأت می‌گیرد. اولاً مشخص شده است که افراد ناکام شده همیشه با افکار، کلمات یا اعمال پرخاشگرانه پاسخ نمی‌دهند. بالعکس، آن‌ها واکنش‌های گوناگون بسیاری نسبت به ناکامی نشان می‌دهند که از ناامیدی یا افسردگی از یک سو تا تلاش‌های مستقیم غلبه بر منشأ ناکامی از سوی دیگر امتداد می‌یابد. ثانیاً تمام انواع پرخاشگری نتیجه ناکامی نیستند. مردم به دلایل متفاوت در پاسخگویی به عوامل بسیار گوناگون پرخاشگر می‌شوند. مثلاً بوکس‌بازان حرفه‌ای به حریفان خود ضربه می‌زنند زیرا نه به دلیل ناکامی بلکه می‌خواهند جایزه بارزش را دریافت کنند (طاهری، ۱۳۹۰: ۸۷).

طبق این دیدگاه، ناکامی یک تجربه نامطبوع و تنفرآمیز است و به دلیل این واقعیت ناکامی منجر به پرخاشگری می‌شود. ناکامی غیرمنتظره یا ناموجه مقادیر بیشتری از عواطف منفی را تولید می‌کند در مقایسه با ناکامی که مورد انتظار بوده و یا به گونه‌ای منطقی جلوه‌گر می‌شود. در مجموع ناکامی می‌تواند علت بالقوه‌ای برای پرخاشگری باشد اما مسلماً تنها عامل این رفتار نیست و نقش اصلی را در مورد پرخاشگری انسان ایفا نمی‌کند (همان: ۹۱).

پرخاشگری و خشونت رسانه

آیا تماشای خشونت در رسانه رفتار خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد؟ به نظر می‌رسد که به محض مواجهه با خشونت، بعضی از افراد در صورتی که تحریک شده باشند تمایل بیشتری برای رفتارهای پرخاشگرانه داشته باشند. اگرچه این نکته بدین معنا نیست که قرار گرفتن در معرض خشونت تلویزیون، رفتار پرخاشگرانه را در اثر عدم تحریک موجب می‌شود. باین حال، تماشای خشونت رسانه احتمالاً یک عامل مهم برای افزایش و بالا بردن سطح خشونت است (طاهری، ۱۳۹۰: ۷۹).

بندورا و راس^۱ و گین^۲ طی آزمایشی فیلمی را در معرض تماشای کودکان قرار دادند که حاوی سطح بالا و پایین خشونت بود و به دنبال آن مشاهداتی پیرامون تمایل آن‌ها به ابراز خشونت در برابر دیگران صورت گرفت. نتایج این آزمایش حاکی از آن است که حتی کودکان خیلی کوچک می‌توانند راه‌های جدید پرخاشگری را از طریق مواجهه با خشونت رسانه‌ای بیاموزند و قرار گرفتن در معرض این برنامه‌ها تمایل به ابراز این رفتارها را افزایش می‌دهد. در این زمینه دست کم چهار تبیین پیشنهاد شده است:

(۱) الگوگیری و تقلید پرخاشگری (۲) رهایی یا عدم بازداری تکانه‌های پرخاشگری (۳) فراخوانی اعمال پرخاشگرانه‌ای که قبلاً آموخته شده‌اند (۴) افزایش برانگیختگی ناشی از تماشای فعالیت‌های پرخاشگرانه (همان: ۵۵).

هرزه‌نگاری^۳ خشونت‌آمیز

هم‌چنان که قبلاً نیز گفتیم، قرار گرفتن در معرض خشونت رسانه‌ای به افزایش برانگیختگی جنسی منفی و افزایش پرخاشگری منجر می‌شود؛ بنابراین طبق گفته روانشناسان اجتماعی هرزه‌نگاری خشونت‌بار می‌تواند کاملاً خطرناک باشد. مطالعات نشان داده‌اند که قرار گرفتن در معرض هرزه‌نگاری خشن منجر به تشویق نگرش‌های بدون انعطاف در ارتباط با خشونت جنسی بین زنان و مردان می‌شود. برای مثال تمایل به درک تجاوز به عنف به عنوان موضوعی کم‌اهمیت و گزارش هم‌مدلی کمتر نسبت به قربانیان تجاوز از این قبیل است. این بررسی‌ها حاکی از آن‌اند که قرار گرفتن در معرض صحنه‌های خشونت‌آمیز که طی آن زنان قربانی هستند، منجر به خشونت فاقد انعطاف مردان نسبت به زنان می‌شود (همان: ۵۵).

برانگیختگی جنسی و پرخاشگری

^۱. Bandura & Ross

^۲. Geen

^۳. Pornography

زیلمن الگوی دو مؤلفه‌ای را ارائه می‌دهد که طبق آن مواجهه با محرک شهوت زا دو اثر عمده را به وجود می‌آورد: ۱- موجب افزایش برانگیختگی می‌شود ۲- حالات عاطفی جاری، یعنی احساسات مثبت و منفی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینکه برانگیختگی جنسی به افزایش یا کاهش پرخاشگری منجر شود بستگی به الگوی کلی این عواطف دارد. مسائل یا موضوعات شهوت زای خفیف، سطوح انگیختگی ضعیف و درعین حال سطوح نسبتاً زیاد عاطفه مثبت را ایجاد می‌کنند. در نتیجه، قرار گرفتن در معرض چنین موضوعاتی منجر به کاهش پرخاشگری می‌شود. در مقابل موضوعات جنسی بارز سطوح انگیختگی قوی‌تری را موجب می‌شوند. به دلیل اینکه بسیاری از مردم درمی‌یابند که برخی از اعمال، ناخوشایند یا نفرت‌انگیز هستند و در نتیجه عاطفه منفی فراوان را ایجاد می‌کنند که به نوبه خود پرخاشگری را افزایش می‌دهند (فرجاد، ۱۳۸۰: ۹۹).

حسادت جنسی و پرخاشگری

در مورد رفتار انسان، متفکرین از شکسپیر تا فروید متفق‌القول‌اند که حسادت جنسی یعنی درک تهدید برای رابطه عاشقانه از سوی یک رقیب برای شریک جنسی می‌تواند دلیل بالقوه پرخاشگری باشد. افرادی که احساس می‌کنند معشوقشان مرتکب خلافی شده است مثلاً انجام حرکات جلف و یا حتی بدتر از آن داشتن ارتباط، دچار خشم شدید می‌شوند و به کرات اتفاق می‌افتد که اعمال تنبیهی خاصی را برای معشوق یا رقیب در نظر می‌گیرند؛ اما برخلاف مشاهدات رسمی، بیشتر خشم و مجازات متوجه شریک جنسی می‌شود و رقیب کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. باین وجود جالب‌ترین یافته‌های تحقیقی در مورد حسادت جنسی این است که زنان خشم بیشتری نسبت به شریک جنسی و نیز رقیب احساس می‌کنند و نسبت به مردان واکنش پرخاشگرانه شدیدتری نشان می‌دهند (همان: ۱۵۶).

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی - پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه زنان ساکن شهر اردبیل است که از

طرف همسران خود مورد آزار قرار گرفته‌اند و با مراجعه به مراجع قضایی و کلانتری‌ها از همسر خود شکایت کرده‌اند. برای تعیین حجم نمونه نیز به صورت در دسترس به تعداد ۱۱۰ نفر انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته ۳۴ سؤالی با طیف لیکرت استفاده شد. برای تعیین اعتبار محتوایی، پرسشنامه به تعدادی از صاحب‌نظران و اساتید رشته حقوق و جامعه‌شناسی و علوم رفتاری داده شده و از آن‌ها در مورد سؤالات و ارزیابی فرضیه‌ها نظرخواهی گردید و روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای متغیر وابسته و برای هریک از متغیرهای مستقل، محاسبه شد و آلفای همه آن‌ها بالاتر از ۰/۸۵ به دست آمد. در این پژوهش برای استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها از برنامه SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش:

جدول (۱)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

گروه سنی	فراوانی	درصد
۱۹ تا ۲۹	۶۳	۵۷/۲۷
۳۰ تا ۳۹	۲۵	۲۲/۷۲
۴۰ تا ۴۹	۱۶	۱۴/۵۴
۵۰ سال و بالاتر	۶	۵/۵۴
جمع	۱۱۰	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۱) ۵۷/۲۷ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۹ تا ۲۹ ساله هستند و ۵/۵۴ درصد با کمترین فراوانی در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر هستند.

جدول (۲)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	درصد
بالای شهر	۷	۶/۳۶
مرکز شهر	۱۴	۱۲/۷۲

۵۲/۷۴	۵۸	حاشیه شهر
۲۸/۱۸	۳۱	روستا
۱۰۰	۱۱۰	جمع

طبق نتایج جدول (۲) ۶/۳۶ درصد پاسخگویان با کمترین فراوانی در بالای شهر و ۵۲/۷۴ درصد با بیشترین فراوانی در حاشیه شهر زندگی می کنند.

جدول (۳) - نتایج ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه همبستگی بین همسر آزاری با عوامل ایجاد کننده آن

عوامل همسر آزاری	آماره‌ها	همسر آزاری
پدرسالاری	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۵۷**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
ضعف اجرای قوانین	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۰۶**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
پذیرش خشونت از سوی زنان	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۳۹**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول (۳) و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می توان گفت که بین میزان همسر آزاری و پدرسالاری ۰/۵۵، ضعف اجرای قوانین ۰/۶۰، پذیرش خشونت از سوی زنان ۰/۴۳ است.

جدول (۴) - ضرایب مسیرهای رگرسیونی و آزمون معناداری ضرایب

مؤلفه‌ها	B	ضرایب غیراستاندارد		T	.Sig
		انحراف معیار	ضریب استاندارد Beta		
مقدار ثابت	۳.۵۰۵	۰.۱۹۶	-	۱۷.۹۲۴	۰.۰۰۰
پدرسالاری	۰.۰۹۲	۰.۰۵۴	۰.۳۳۲	۱.۷۱۰	۰.۰۰۹
ضعف اجرای قوانین	۰.۲۸۹	۰.۰۷۱	۰.۴۵۱	۴.۰۹۵	۰.۰۰۰

بررسی علل همسرآزاری در بین خانواده‌های شهر اردبیل

۰.۰۰۰	۷.۶۶۱	۰.۷۳۵	۰.۰۶۹	۰.۵۲۸	پذیرش خشونت از سوی زنان
-------	-------	-------	-------	-------	-------------------------

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای پدرسالاری، ضعف اجرای قوانین و پذیرش خشونت از سوی زنان به‌عنوان متغیر پیش‌بین و میزان همسر آزاری به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش ورود تحلیل شدند. همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود میزان p مشاهده شده در همه متغیرها معنی‌دار است و نتایج نشان می‌دهد که متغیر پدرسالاری ($BETA= ۰/۳۳$)، ضعف اجرای قوانین ($BETA=۰/۴۵$) پذیرش خشونت از سوی زنان ($BETA= ۰/۷۳$) متغیر میزان همسر آزاری را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول (۵) - نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (anova) جهت تعیین معنی‌داری اختلاف میانگین

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
بین‌گروهی	۲۰۶۱۰.۷۹۲	۲	۱۰۳۰۵.۳۹۶	۱۹.۷۶۷	۰.۰۰۰
درون‌گروهی	۷۳۵۰۸.۲۰۸	۱۰۸	۵۲۱.۳۳۵		
جمع	۹۴۱۱۹.۰۰۰	۱۱۰			

برای بررسی تفاوت میانگین همسر آزاری برحسب تحصیلات از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. طبق نتایج جدول (۵) و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۵ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که بین میزان همسر آزاری برحسب تحصیلات آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۶) - نتایج آزمون تعقیبی دانکن جهت تعیین میانگین همسر آزاری برحسب تحصیلات

گروه	تعداد	اولویت‌بندی		
		دسته‌بندی ۱	دسته‌بندی ۲	دسته‌بندی ۳
فوق‌دیپلم	۲۵	۱۰۹/۲۲		
دیپلم	۴۶	۹۸/۵۰		

فوق لیسانس و بالاتر	۱۵	۴۴/۹۰
لیسانس	۲۴	۴۱/۵۹

طبق نتایج جدول (۶) بالاترین میانگین همسر آزاری برحسب مدرک تحصیلی پاسخگویان با میانگین ۱۰۹/۲۲ مربوط به مدرک تحصیلی فوق دیپلم است و کمترین میانگین مربوط به مدرک تحصیلی لیسانس با میانگین ۴۱/۵۹ است و می توان نتیجه گیری کرد که همسر آزاری در بین دو مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم در یک گروه قرار دارند و تفاوت معنی داری ندارند در حالی که بین میانگین مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم با لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول (۷) - نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (anova) جهت تعیین معنی داری اختلاف میانگین

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۲۱۳۳۸.۴۵۲	۲	۷۱۱۲.۸۱۷	۱۳.۶۸۲	۰.۰۰۰
درون گروهی	۷۲۷۸۰.۵۴۸	۱۰۸	۵۱۹.۸۶۱		
جمع	۹۴۱۱۹.۰۰۰	۱۱۰			

برای بررسی تفاوت میانگین همسر آزاری برحسب سن از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. طبق نتایج جدول ۷ و با توجه به اینکه سطح معنی داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۵ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که بین میزان همسر آزاری برحسب سن آن ها تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول (۸) - نتایج آزمون تعقیبی دانکن جهت تعیین میانگین همسر آزاری برحسب سن

گروه سنی	تعداد	اولویت بندی		
		دسته بندی ۱	دسته بندی ۲	دسته بندی ۳
۱۹ تا ۲۹	۶۳	۱۱۸.۰۷		
۳۰ تا ۳۹	۲۵	۱۰۹.۵۵		

۷۲.۱۹	۱۶	۴۰ تا ۴۹
۴۰.۱۵	۶	۵۰ سال و بالاتر

طبق نتایج جدول (۸) با بالاترین میانگین همسر آزاری برحسب سن پاسخگویان با میانگین ۱۱۸/۰۷ مربوط به گروه ۱۹-۲۹ سال است و کمترین میانگین مربوط به گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر با میانگین ۴۰/۱۵ می‌باشد و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین چهار گروه برحسب سن از نظر میانگین همسر آزاری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری:

غریزه خشونت در انسان‌ها تحت تأثیر عوامل شخصیتی و اجتماعی تغییر شکل می‌دهد. کارشناسان معتقدند که عوامل اجتماعی - اقتصادی زیادی در شکل‌گیری و بروز خشونت دخالت دارند. ۱. فقر ۲. کم‌سوادی ۳. اعتیاد ۴. مشکلات زناشویی ۵. تربیت غلط دوران کودکی ۶. جهل و خودخواهی ۷. عدم امنیت شغلی ۸. مردسالاری ۹. ازهم‌گسیختگی خانواده (طلاق و زندگی با یکی از والدین) از جمله عوامل خشونت‌آفرین هستند. گاه خشونت را ناشی از خصوصیات ژنتیکی افراد برمی‌شمارند و گاه سوءاستفاده‌های جسمی، جنسی، کاری و ... در کودکی را با بروز خشونت مرتبط می‌دانند. گفته می‌شود کودکانی که شاهد خشونت والدین خود علیه یکدیگر می‌باشند، می‌آموزند که در بزرگسالی از خود چنین رفتاری را نشان دهند. در نتیجه خشونت از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود و دوام می‌یابد. این را چرخه خشونت می‌گویند که در اثر یادگیری شکل می‌گیرد. در بررسی هورتالیگ و سوگارمن این نکته مشخص شد که در میان مردان خشن عامل مشترک تجربه خشونت در دوران کودکی وجود دارد. بعضی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی با وجود قبول رابطه میان جامعه و خانواده، دلایل خشونت را بیشتر در عوامل فردی مانند سن ازدواج، تأثیر عوامل اقتصادی بر افراد، میزان درآمد، تحصیل، نوع شغل و وجود ویژگی‌هایی چون پرخاشگری در مردان یا حاملگی در زنان و در نهایت تحت تأثیر عواملی مانند استفاده از مخدرها می‌دانند. جامعه‌شناسان دیگر گذشته از پذیرش این عوامل، معتقدند تا زمانی که

ساختارهای جامعه بر اساس برتری مردان نسبت به زنان شکل گرفته باشد و در سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و اماکن شغلی مردان دارای موقعیتی برتر باشند، بازتاب سلسله‌مراتب اجتماعی در خانواده نیز دیده می‌شود و مردان در روابط خانوادگی خود را محق به استفاده از خشونت خواهند دانست. زنان نیز با آنکه تحمل کتک خوردن برایشان آسان نیست، این وضعیت را طبیعی می‌دانند و واکنش خاصی در برابر آن نشان نمی‌دهند. با توجه به نتایج به‌دست آمده ۵۷/۲۷ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۹ تا ۲۹ ساله هستند و ۵/۵۴ درصد با کمترین فراوانی در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر هستند. ۶/۳۶ درصد پاسخگویان با کمترین فراوانی در بالای شهر و ۴۳/۶۳ درصد با بیشترین فراوانی در حاشیه شهر زندگی می‌کنند و بین میزان همسر آزاری و پدرسالاری ۰/۵۵، ضعف اجرای قوانین ۰/۶۰، پذیرش خشونت از سوی زنان ۰/۴۳ است. هدف از پژوهش حاضر بررسی علل همسر آزاری در بین خانواده‌های شهر اردبیل بود که نتایج نشان داد که عوامل (پدرسالاری، ضعف اجرای قوانین، پذیرش خشونت از سوی زنان) بر پدیده همسر آزاری تأثیر معنی‌داری دارد و همچنین همسر آزاری بر اساس سطح تحصیلات و سن تفاوت معنی‌داری داشت.

نتایج به‌دست آمده با نتایج تحقیقات نریمانی و آقا محمدیان (۱۳۸۴)، بلالی میدی و حسنی (۱۳۸۸)، همتی (۱۳۸۶)، ملک افضلی و همکاران (۱۳۸۲) همسو می‌باشد؛ و طبق نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد: به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مناسب برای کاهش تضاد و خشونت زناشویی، گسترش فرهنگ گفت‌وگو و مذاکره و مشورت و هم‌فکری بین اعضای خانواده است. به نظر می‌رسد با جا افتادن این فرهنگ در میان خانواده‌ها در کنار اقدامات آموزشی مستمر، می‌توان در ساختارهای اجتماعی، قوانین، آداب و رسوم، باورها و نگرش‌های اجتماعی که از اقتدار و نابرابری اعضا حمایت می‌کنند، رخنه کرد و متقابلاً با اصلاح و تغییر این ساختارها شاهد اصلاح فضای درون خانواده‌ها نیز خواهیم شد.

همچنین موارد زیر برای پیشگیری از پدیده همسر آزاری پیشنهاد می‌شود:

- بالا بردن آگاهی جامعه
- آموزش پیش از ازدواج همسران در زمینه فرهنگ زناشویی و احترام به حقوق دیگران
- تصویب و اجرای قوانین حمایت از زنان
- ایجاد و تقویت مراکز مشاوره و شناسایی و ارجاع افراد دارای اختلال روان‌پزشکی به این مراکز
- تلاش در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و کاهش تبعیض‌های جنسیتی
- مداخلات قضایی و انتظامی در موارد همسرآزاری

فهرست منابع

- ابوالقاسمی، عباس؛ برهمند، احمد؛ کیامرثی، آذر (۱۳۸۴)، روانشناسی در اجتماع چاپ اول، انتشارات رهرو دانش.
- برکوویتز (۱۹۶۲)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، چ اول، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲.
- بلالی میدی، فاطمه؛ حسنی، مهدی (۱۳۸۸)، فراوانی خشونت علیه زنان توسط همسرانشان در شهر کرمان، مجله روان‌پزشکی روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار) ۱۵ (۳) (پیاپی ۵۸).
- یاد، ابراهیم (۱۳۸۵)، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم نسبت به اشخاص)، انتشارات دانشور.
- پورنقاش تهران، سیدسعید (۱۳۸۴)، بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی، مجله دانشور رفتار؛ ویژه مقالات روان‌شناسی ۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چاپ.
- سلیمانی، محمد (۱۳۸۵)، سیر تاریخی خشونت علیه زنان (۱). تهران: آبرخ.
- طاهری، شهلا (۱۳۹۰)، بررسی میزان خشونت فیزیکی علیه زنان در خانواده در بین مراجعین به پزشکی قانونی و سایر خدمات درمانی شهرستان خدابنده. استناداری زنجان.
- عزیزیان، رویا؛ ساروخانی، باقر؛ محمودی، محمود (۱۳۸۳)، بررسی عوامل خشونت علیه زنان در مراجعه‌کنندگان به پزشکی قانونی تهران در سال ۱۳۸۳، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، جلد ۲، شماره ۳.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ چهارم.
- کلانیک، ال (۲۰۰۵)، کنار آمدن با چالش‌های زندگی، ترجمه‌ی نریمانی، م، ولی زاده، ۱. انتشارات آستان قدس رضوی.
- محبی، علیرضا (۱۳۸۲) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، رشته جامعه‌شناسی.

- محمدخانی، علی، اسفندیاری، طاهر (۱۳۸۵)، خشونت در خانه و خانواده، تهران: انتشارات ققنوس.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۶)، همسرکشی. مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: آگه.
- نریمانی، محمد و آقا محمدیان، حمید (۱۳۸۴)، بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هفتم، ش ۲۸ و ۲۷.
- Coccaro, E.F, Bergman, C.S, (۲۰۰۰) and McLean, G.E. Heritability of irritable impulsiveness (A study of twins reared together and apart). *Psychiatry Res*; ۴۸.
 - Harvey, P.D, Greenberg, B.R, and Serper, M.R (۲۰۰۸). The affective lability scales (Development reliability and validity). *J Clin Psychology*. ۱۹۸۹; ۴۵.
 - James T. (۱۹۹۴). Tedeschi and Richard B. Felson, PhD. ۱۹۹۴. *Violence, Aggression, and Coercive Actions*. ۶۹
 - Rumirez, JM, Andreu, JM. (۲۰۰۵). Aggression and some related psychological constructs (anger, hostility, and impulsivity) som comments from a research project. *Neuroscience & biobehavioral reviews*, ۳۰(۳).
 - Rushton JP, Fulker DW, Neale MC, Nias DK, Eysenck HJ. (۲۰۱۰). Altruism and aggression: the heritability of individual differences. *J Pers Soc Psychol*. Jun; ۵۰(۶).
 - Zimbardo, P. G. (۱۹۶۹). The human choice: Individuation, reason, and order vs. deindividuation, impulse, and chaos. *In W. J. Arnold & D. Levine (Eds.), *Nebraska Symposium on Motivation* (pp. ۲۳۳-۳۰۷). Lincoln: university of Nebraska press.